



دو طرف با یکدیگر منجر شود. حضور مؤثر طرفین در همایش های تجاری و ارائه دیدگاه ها مهم خواهد بود. جای مدیران و کارشناسان صنعت پتروشیمی عربستان در همایش های سالانه پتروشیمی ایران که در مردادماه هر سال در تهران برگزار می شود، خالی است. باید مشارکت ها تشویق شوند و با تعامل و گفت و گوی بیشتر، مسیرهای همکاری تسهیل شود. در صورت انجام این مقدمات، به تدریج می توانیم به مدل مناسبی برای همکاری بین منطقه ای بین کشورهای تولیدکننده حوزه پتروشیمی در منطقه برسیم که ستون های اصلی آن ایران و عربستان خواهند بود.

■ **تحریم های بین المللی علیه ایران چه محدودیت هایی بر صادرات، سرمایه گذاری خارجی و همکاری های فناورانه در صنعت پتروشیمی ایجاد کرده اند؟**

ناگفته پیداست که صنعت پتروشیمی هم هدف بسیاری از تحریم های یکجانبه و تحمیلی بوده است. حتی اگر این حوزه به صورت مستقیم هم تحریم نبود، تحریم های بانکی، حمل و نقل و محدودیت هایی که ناشی از اقدامات مقابله ای گروه اقدام مالی (FATF) بر مراودات بانکی حوزه صنعت و تجارت کشور تحمیل شده، بسیار مخرب و هزینه زا بوده اند. فرصت های زیادی برای سرمایه گذاری های جذاب از سوی شرکت های خارجی در حوزه پتروشیمی ایران وجود دارد که کم نظیر هستند و اینها به دلیل تحریم ها و مشکلات سیاسی در روابط خارجی به صورت تعلیق مانده اند. در موضوع صادرات، در موارد قبلی هم بارها گفته ام که اصولاً حاشیه سود در تجارت های حجم بالا خیلی زیاد نیست. ۱۰ درصد سود البته رقم قابل توجهی برای تجار است و آنها را تشویق می کند که برای بازکردن و حفظ بازارهای جدید در فراسوی مرزها بکوشند ولی زمانی که بخش قابل توجهی از این حاشیه سود یا حتی بیشتر از آن صرف هزینه های زیاد نقل و انتقال مالی، تبدیل از ارزهای مختلف و استفاده از مسیرهای حمل و نقل پرهزینه شود، دیگر انگیزه چندان برای تجار بخش خصوصی باقی نمی ماند. در این شرایط برخی شرکت های تولیدی داخلی حتی مجبور می شوند

■ روابط ایران و عربستان در حوزه انرژی همواره در بستر نوعی رقابت تاریخی و ساختاری شکل گرفته که ریشه در جایگاه ویژه دو کشور به عنوان بازیگران محوری بازار جهانی نفت و گاز، نقش آفرینی در اوپک، تفاوت در الگوهای سیاست گذاری انرژی و نیز پیوند خوردن اقتصاد انرژی با ملاحظات ژئوپلیتیک داشته است. این رقابت در مقاطع مختلف به تشدید فشارهای خارجی، نوسانات بازار و حتی تعمیق شکاف های سیاسی انجامیده اما همزمان ظرفیت هایی نهفته برای بازتعریف آن در قالب همکاری های هوشمندانه و هم افزا نیز در خود دارد؛ بویژه در شرایطی که تحریم ها، رقابت قدرت های بزرگ و گذار تدریجی نظم انرژی جهانی و محیط تصمیم گیری دو کشور را پیچیده تر از گذشته کرده است. در این چهارچوب، آیا چنین پیشینه ای تاریخی میان ایران و عربستان در حوزه انرژی می تواند از یک بازی جمع صفر به مزیت استراتژیک و مشترک برای افزایش قدرت چانه زنی، مدیریت فشار رقبا و کاهش آثار تحریم ها در سطوح منطقه ای و بین المللی تبدیل شود؟

صحت از همکاری بین دو طرف در مواجهه با تحریم ها چندان زمینه ای ندارد و مطابقتی هم با فضای سیاسی جاری روابط دو کشور و همچنین ماهیت روابط دو کشور با آمریکا به عنوان اصلی ترین طرف تمایل گر تحریم های یکجانبه ندارد. ولی همانگونه که در پرسش قبلی بدان پرداختم، دوام و پایداری روابط سیال سیاسی دو کشور وابسته به برنامه فعالیت های مشترک اقتصادی و سرمایه گذاری و استفاده از ظرفیت های همکاری برای تأمین منافع دو طرف است، ضمناً خیلی هم درگیر صفت «رقابت تاریخی» نباشیم. در دنیای امروز سوابق حتی اگر به اندازه چند قرن قدمت داشته باشند، به راحتی با برنامه ریزی صحیح و انجام تغییرات منفعت محور به حاشیه رانده می شوند. در جریان وضع تعرفه های بالا از سوی آمریکا بر کشورهای ژاپن، کره جنوبی و چین، شاهد مشورت های نزدیک این سه کشور برای اتخاذ تدابیری مشترک برای مقابله با تعرفه های دولت ترامپ بودیم. این همه سابقه دشمنی و رقابت بین سه کشور یکبار در مواجهه با تهدیدی جدید، به حاشیه رفت. پس بهتر است که خیلی ذهن خودمان را متوجه تاریخ نکنیم و بر بهبود وضع جاری و آینده متمرکز شویم.

■ **چه سیاست ها و راهبردهای دولتی در ایران و عربستان می تواند زمینه ساز ایجاد یک شبکه همکاری منطقه ای در صنعت پتروشیمی شود؟ اولین و مهم ترین مسأله، ایجاد تغییر در سازوکارهای تصمیم گیری و مدیریت روابط دوجانبه است. تصمیم گیران در دو کشور نیاز دارند که فضای ذهنی و نگاه خود را تغییر دهند. در جلساتی که برای بررسی موضوعات روابط دو کشور تشکیل می شود بهتر است که اکثریت با مدیران، صاحب نظران و کارشناسان تجاری و اقتصادی باشد تا سیاسی. یعنی نمایندگان تشکل های بخش خصوصی و تشکل های تولیدی - تجاری دو کشور حضور داشته باشند و نظر آنها نافذ باشد. یکی از مهم ترین نواقص همین است که تصمیمات مربوطه از جامعیت کافی برخوردار نیستند. در دنیای امروز که وضعیت اقتصادی و مالی کشورها تعیین کننده بسیاری از امور دیگر هستند، مدیری که توان درک اهمیت موضوعات اقتصادی، مشورت های مداوم با بخش خصوصی و به طور کلی جامعیت فکری در این حوزه نداشته باشد، قادر نخواهد بود به اتخاذ خروجی های مؤثر در ساختار تصمیم گیری ها کمک کند. پس اولین ضرورت، غلبه تفکر اقتصادی - تجاری در دو طرف است.**

همچنین برای این حوزه صنعتی، قبل از هر چیز مناسب خواهد بود تا شرکت های معظم پتروشیمی دو کشور مانند صنایع پتروشیمی خلیج فارس از این سو و شرکت سایبک عربستان گفت و گوهایی را با هم آغاز کنند و بازدیدهایی برای طرفین از امکانات و ظرفیت های تولیدی دو طرف ایجاد و برنامه ریزی شود تا این بازدیدها به مشارکت در نمایشگاه های تخصصی دو طرف و آشنایی بیشتر اصحاب صنایع



تصمیم گیران کشورهای ایران و عربستان نیاز دارند که فضای ذهنی و نگاه خود را تغییر دهند. در جلساتی که برای بررسی موضوعات روابط دو کشور تشکیل می شود، بهتر است اکثریت با مدیران، صاحب نظران و کارشناسان تجاری و اقتصادی باشد. همچنین نمایندگان تشکل های بخش خصوصی و تشکل های تولیدی - تجاری دو کشور حضور داشته باشند و نظر آنها نافذ باشد